

## جوهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی (ره)<sup>۱</sup>

سعید هلالیان<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش ۹۶/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۲۰

### چکیده

اهتمام نظری و عملی به «حوزه انقلابی» از جمله ضرورت‌های همیشگی است که به دلایل ویژه، در سالیان اخیر، اهمیت دوچندان یافته است. پرداختن به این مبحث از زوایای گوناگون و به شیوه‌های مختلفی ممکن است که یکی از آنها بیان ویژگی‌های حوزه انقلابی می‌باشد. هرچند چنین روشی در مرتبه خود ضروری است و فواید و کارکردهای خاصی دارد، اما در صورتی دارای نتیجه نهایی و بهترین کارآیی خواهد بود که افزون بر یافتن یکایک ویژگی‌ها، در جستجوی ویژگی جوهری حوزه انقلابی نیز باشیم، یعنی ویژگی‌ای که بسان روحی در قالب همه ویژگی‌ها سریان یافته باشد. در واقع آنها امتداد و تجلی‌اش می‌باشند. در این نوشتار تلاش می‌شود پس از تمهید برخی مقدمات و مبانی، جوهره ویژگی‌های حوزه انقلابی جستجو شود و سپس با بیان چند مصداق از ویژگی‌های حوزه انقلابی، رابطه هر یک با ویژگی جوهری حوزه انقلابی ترسیم شود.

کلیدواژگان: انقلاب اسلامی، حوزه علمیه، حوزه انقلابی و امام خمینی

---

۱. این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی، مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفند ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

۲. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

## مقدمه

انقلابی بودن و انقلابی ماندن از دغدغه‌های راهبردی و همیشگی دلسوزان نهضت اسلامی، به‌ویژه امام خمینی و مقام معظم رهبری بوده است که با توجه به مقتضیات عصری، در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته است و به همین جهت، تأکید بر انقلابی بودن، در دیدارهای مقام معظم رهبری با گروه‌های مختلف، نمود برجسته‌تری دارد. ایشان در اسفندماه ۱۳۹۴، پرداختن به وضعیت رشد و بلوغ تفکر انقلابی و تداوم روحیه و منش انقلابی در حوزه را بسیار حائز اهمیت دانسته و در سخنانی صریح و هشدارآمیز، به برخی انگیزه‌ها برای انقلاب‌زدایی از حوزه‌های علمیه اشاره و تأکید کردند که اگر بخواهیم نظام، «اسلامی» بماند، حوزه باید «انقلابی» بماند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵). پیش‌تر از آن نیز ایشان هشدار داده بودند:

«مسئله دیگر در زمینه نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است... فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد... در حوزه علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند... می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند» (همو، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

پس از این گونه هشدارها بحث از حوزه انقلابی گسترش یافت که خود رویکردهای مختلفی داشته است، مانند پرداختن به چیستی و هویت حوزه انقلابی، بیان ویژگی‌های حوزه انقلابی، ارائه راهبردها و راهکارها برای تحقق یا ارتقای حوزه انقلابی و... که هر یک، کارکردها و مزایای خاصی دارد.

در این میان تبیین ویژگی‌های حوزه انقلابی اهمیت خاصی دارد و درواقع خود به منزله

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۴



۱۴۸

بیان چپستی حوزه انقلابی و تعریف آن می‌باشد، چرا که از جمله راه‌های نیل به چپستی امور غیرماهوی فاقد جنس و فصل و «تعریف حقیقی» از جمله پدیده‌های مرکب و چندبُعدی، مانند پدیده‌های انسانی و اجتماعی، تلاش برای ارائه «تعریف مفهومی» برای آنهاست. یکی از راه‌های رسیدن به تعریف مفهومی یک پدیده، بیان اوصاف و ویژگی‌های بارزش می‌باشد (ر.ک: هالایان، ۱۳۹۴: ۵۷-۶۶). با در دست داشتن تعریفی از حوزه انقلابی و ویژگی‌های تفصیلی‌اش، افق فرارو تا حدود زیادی روشن گردیده، می‌توان گام‌های دقیق‌تر و محکم‌تری برای تحقق بخشیدن بدان برداشت، چنانکه عدم تبیین دقیق ویژگی‌های حوزه انقلابی موجب حیرت و سردرگمی طلاب، استادان، نخبگان و حتی مسئولان و برنامه‌ریزان حوزه شده و آنها را در اتخاذ تصمیم‌های جازم و طراحی برنامه‌های روشن در نسبت با نهضت اسلامی، سرگردان یا گمراه می‌کند. در مقابل، ترسیم سیمای «حوزه انقلابی» از طریق بیان ویژگی‌های تفصیلی‌اش، تأثیر مستقیمی بر بالندگی حوزه در ابعاد گوناگون و کاهش برخی آفات و آسیب‌های بالفعل یا بالقوه دارد و در نتیجه موجب افزایش کارایی و ثمربخشی فعالیت‌های علمی، پژوهشی، ترویجی و... خواهد شد. همچنین هرچند با تعریف حوزه انقلابی، تمایز آن از دیگر نهادهای

انقلابی روشن شده و رسالت عصری و مسئولیت‌هایش نیز تا حدود زیادی مشخص می‌گردد، <sup>یاست پژوهی</sup> ولی این موارد هنوز کلی و تا مقداری مبهم بوده و نیازمند تفصیل بیشترند تا به‌طور دقیق بدانیم که باید به دنبال ایجاد یا حفظ یا ارتقای چه مؤلفه‌هایی در حوزه باشیم تا انقلابی محسوب شود.

از سوی دیگر علت اصلی دشمنی و کینه دشمنان اسلام با حوزه انقلابی، اّتصاف آن به همین ویژگی‌هاست، از این رو شناخت تفصیلی ویژگی‌ها، حوزه و طلبه انقلابی را قادر می‌سازد تا با توان و کارایی بیشتری به مبارزه با دشمنان دین و بدخواهان نهضت اسلامی بپردازند. افزون بر این‌ها اساساً هر ویژگی حوزه انقلابی، خود یک «شاخص» است. شاخص‌ها از این جهت اهمیت دارند که از جمله معیارهای سنجش و ارزیابی و از ابزارهای قضاوت درباره یک امر می‌باشند. بدین جهت، یکی از ثمرات مهم تعیین تفصیلی ویژگی‌های حوزه انقلابی، «شاخص‌سازی» در این عرصه می‌باشد. اگر شاخص‌های یک پدیده، روشن و تفصیلی نباشند،

هم سنجش کیفی یا کمی آنها دشوار و گاه ناممکن می‌شود و هم زمینه ورود نابجای



دیگر موارد کاذب یا اخراج مصادیق واقعی از آن شکل می‌گیرد. با تفصیل ویژگی‌های انقلابی بودن و سنجش افراد، گروه‌ها و نهادها با آنها می‌توان مدعیان انقلابی‌نما را راحت‌تر شناخت و چنین مسئله‌ای، تأثیر مستقیمی بر حفظ اصالت ارزش‌های انقلابی دارد.<sup>۱</sup>

با وجود اهمیت بالای بحث از ویژگی‌های حوزه انقلابی، آنچه از اهمیت بیشتری برخوردارست، جستجو از ویژگی محوری حوزه انقلابی است. این ویژگی را می‌توان جوهره حوزه انقلابی نیز دانست. اما تعیین این ویژگی جوهری، چه اهمیت و ضرورتی دارد و چه فوایدی بر آن مترتب می‌شود؟

اگر ویژگی‌های برشمرده برای یک پدیده نظام دقیقی نداشته و در تناسب و هماهنگی نظام مند با یکدیگر نباشند، مشکلات بسیاری پیش خواهد آمد. برای مثال در موارد تزامم بین دو یا چند ویژگی و ضرورت اولویت بندی، ترجیح و انتخاب برخی بر بعضی دیگر در مقام عمل و اجرا چه باید کرد؟ برای تشخیص ویژگی‌های حقیقی یا تطبیق آنها بر مصادیقشان، به ویژه در موارد مرکب و پیچیده چه باید کرد؟ در هنگام التباس امور بر انقلابی‌گری باید به کدام ویژگی تمسک جست؟ توجه بدین گونه مسائل و مشکلات، لزوم جستجو از ویژگی جوهری حوزه انقلابی را آشکار می‌سازد.

با تعیین ویژگی و شاخص اصلی - که دیگر شاخص‌ها از آن برآمده و قابل بازگشت بدان نیست<sup>۲</sup> می‌باشند - نظام مستحکمی بر هندسه ویژگی‌های حوزه انقلابی سایه می‌افکند و دیگر نمی‌توان هر امری را ویژگی چنین حوزه‌ای برشمرد یا هر اقدام و روحیه و رفتاری را به حوزویان انقلابی نسبت داد. همچنین ویژگی محوری و کلیدی حوزه انقلابی در موارد تزامم و التباس، مشکل‌گشا بوده، می‌توان برای ترجیح یا تقدیم برخی مؤلفه‌ها از آن استفاده کرد یا مؤلفه‌های حقیقی را از موارد کاذب یا ادعایی تشخیص داد. افزون بر این در سنجش افراد، گروه‌ها و نهادهای حوزوی و نیز اقدامات آنها می‌توان از این ویژگی استفاده کرد، برای مثال چه بسا



۱. به تعبیر مقام معظم رهبری: «مسئله شاخص‌های انقلابی‌گری هم خیلی مهم است، یعنی واقعاً بدانیم شاخص‌ها چیست، شاخص‌های انقلابی‌گری را درست پیدا کنیم... اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید خواهد بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹).

گفتار یا رفتاری در ظاهر انقلابی ننماید، ولی با محک آن با ویژگی جوهری حوزه انقلابی، عیار بالای انقلابی بودن آن روشن شود و بالعکس.

اما برای تعیین ویژگی جوهری حوزه انقلابی باید به برخی مباحث مقدماتی همچون پیشینه و تبار کلان تاریخی حوزه، فلسفه وجودی و ماهیت حوزه، رسالت های کلان و عصری حوزه، هویت انقلاب اسلامی، حوزه انقلابی، مکتب امام و مانند آنها اشاره کرد:

### ۱. از نهضت پیامبران: تا مکتب امام خمینی

برای بررسی درست هر پدیده انسانی، به ویژه امور دارای ابعاد مختلف آموزش، تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و غیره مانند حوزه علمیه، باید آن را در بافتار و ایستار تاریخی اش و با توجه به تبار و منشأ و پیشینه اش بررسی کرد، اما خاستگاه تاریخی حوزه چیست و پیشینه اش به کجا منتهی می گردد؟

### أ. نهضت پیامبران و اوصیاء الهی

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... (نحل: ۳۶).

حرکت تاریخی انبیا و اوصیای الهی: از حضرت آدم تا خاتم الانبیا و از خاتم پیامبران تا خاتم الاوصیاء را باید امتداد یک مسیر دانست که جوهره واحدی دارد. این کاروان الهی در مسیر تاریخی اش یک هدف و رسالت بیش نداشته است، توحیدگستری در سطوح مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان و به بیان دیگر هدایت تشریحی جان ها و جوامع بشری به سوی خداوند سبحان. زمین هیچ گاه از نهضت توحیدگستری پیامبران و اوصیای الهی: خالی نبوده و این نهضت در هر عصر و مصری، ضمن حفظ جوهره واحدش، جلوه و نمودی متناسب با آن یافته است. این نهضت، قرن های طولانی و در بستری از مجاهدت و جهاد ظاهری و باطنی امتداد یافت تا اینکه پرچم اقامه دین، به حضرت وصی رسید.<sup>۱</sup> پس از امیر

یاست شوی  
جوهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی



۱. «وَكُلًّا شَرَعْنَا لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْنَا مِنْهَا جَا، وَتَخَيْرْنَا لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ...، إِلَى أَنْ أَنْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا اتَّجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتُهُ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ اجْتَنَيْتَهُ...، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ

مؤمنان این نهضت از امامی به امام دیگر: منتقل شد تا به خاتم‌الوصیاء (عجل الله فرجه) رسید و در عصر غیبت کبرا، هرچند از یک جهت، تحقق اهداف دین بر عهده همه مؤمنان به اندیشه توحیدی است، در عین حال به سربازانی نیاز است که به صورت متمرکز و تخصصی، یعنی با صرف توان و زمان ممکن برای خود، رهبری تحقق این نهضت را بر عهده گرفته، آن را در همه عرصه‌های زندگی بگسترانند.

### ب. هویت حوزه و رسالت کلان آن

نیاز یادشده موجب پیدایش صنفی به نام «عالمان دین» و هویتی به نام «حوزه علمیه» برای هدایت و رهبری متمرکز و تخصصی جریان تحقق رسالت بزرگ توحیدگستری گردید، چراکه کشف روش مند پیام و برنامه خداوند برای زندگی بشر از منابع دینی و تطبیق آن با نیازهای عصری بشر، رهبری تحقق اهداف دین امور ساده‌ای نیست که بدون آموزش‌های ویژه به دست آیند و هر فردی با هر خصوصیتی بتواند عهده‌دارشان شود. علاوه بر عقلانی بودن نیاز به وجود صنفی خاص برای امتدادبخشی متمرکز و تخصصی به تلاش‌های انبیای الهی (ع) متون دینی فراوانی نیز وجود دارد که راهنما و ارشادگر بدین حکم عقل هستند، مانند آیه «نُفِر» (توبه: ۱۲۲) که مطابق آن،<sup>۱</sup> حوزه علمیه یاست‌پژوی تنها سازمانی است که در عصر غیبت کبرا، عهده‌دار امتدادبخشیدن تخصصی به نهضت پیامبران (ع) شده و به تعبیر امام خمینی «روحانیین که مربی انسان‌ها هستند، به جای انبیا نشسته‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۹/۸: ۲۵۸).

عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا...» (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۵۷۴-۵۷۶، بخشی از دعای شریف ندبه).

۱. همچنین، رک: شیخ صدوق، ۱۴۱۳/۴: ۳۰۲ (قال رسول الله (ص): رحم الله خُلَفَائِي. فقیل یا رسول الله و من خُلَفَاءِک؟ قال: الذین یحییون سُنَّتِي و یعلّمونها عبادَ الله». کلینی، ۱۴۰۷/۱: ۳۲ (عن أبی عبدالله: ... فَإِنَّ فِینَا أَهْلَ الْبیتِ فی کلِّ خَلْفٍ عُدُولًا یَنْفُونَ عَنْهُ تَحْرِیفَ الْغَالِینِ و انتحالَ الْمَبْطَلِینِ و تَأْوِیلَ الْجَاهِلِینِ». همان /: ۵۶. ابن‌شعبه حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۳۸ (قال الإمام التّقی السبط الشّهِید أبی عبدالله الحسین (ع)... مَجَارِی الْأُمُورِ وَ الْأَحْکَامِ عَلَی أیدی الْعُلَمَاءِ بِاللّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَی حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ...).



با توجه بدین مطالب باید «رسالت کلان» حوزه در عصر غیبت، یعنی رسالت حوزه در همه زمان‌ها و مکان‌ها را چنین ترسیم کرد تداوم بخشیدنِ عصری به نهضت توحیدگستری پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) در جهت ظهور مهدی موعود (عجل الله فرجه) و تحقق حکومت جهانی آن حضرت (عجل الله فرجه) و تحقق نهایی اهداف اسلام. به بیان ساده‌تر پاسخگویی به نیازهای ثابت و عصری بشر به دین و باز به تعبیری ساده‌تر: اقامه دین.



اهداف کلان حوزه (برآمده از رسالت کلان آن)	
۱	استنباط روشمند معارف و نظام‌های دین در حیطه‌های مختلف حیات بشر از منابع دینی (تفقه و استنباط اسلام ناب)، شامل: - ارائه نگرش‌های دین، - ارائه قوانین دین، - ارائه فرهنگ دین،
۲	دفاع از دین، شامل: - مرزبانی اعتقادی، - حراست از چهارچوب و اصول دین در نظر و عمل، - زدودن خرافه‌ها، انحرافات و پیرایه‌های موهوم از دین،
۳	ابلاغ، بیان، تبیین، تبلیغ و ترویج دین با در نظر گرفتن مقتضیات زمان (انذار)، شامل: - نشر و تبلیغ معارف و قوانین و فرهنگ دین، - امتداد دادن عینی به گزاره‌های دینی در همه سطوح زندگی بشر هر عصر (ارائه سبک‌های زندگی دینی در هر عصر و سرزمین)،

اهداف کلان حوزه (برآمده از رسالت کلان آن)	
<p>رهبری اجراء و بسط دین در جان‌ها و جوامع بشری، شامل:</p> <p>- تربیت و تهذیب جان‌های مستعد و هدایت نفوس بشری به سمت خداوند،</p> <p>- رهبری و مدیریت (و در صورت لزوم، ایجاد) جریان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، و غیره مرود نیاز برای تحقق اهداف دین،</p> <p>- تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی و اداره آن بر طبق اسلام (پشتیبانی‌های علمی، عملی، حمایتی، نظارتی، و اصلاحی از آن)،</p> <p>- ایجاد زمینه‌های تحقق تمدنی اسلامی (تمدنی منتظر)،</p>	۴
<p>تربیت نیروهایی برای انجام آنچه ذکر شد جهت استمرار حیات تخصصی حوزه (تربیت طلبه و نیروسازی برای حوزه)</p>	۵

### ج. رسالت عصری حوزه و وضعیت جهان معاصر

تا کنون از رسالت و اهداف کلان حوزه سخن گفته شد، اما رسالت و اهداف عصری

حوزه چیست؟<sup>۱</sup>

یاست پژوهی

برای شناخت رسالت عصری حوزه معاصر از میان مصادیق مختلف رسالت کلانش، باید ابتدا به بررسی وضعیت جهان معاصر، روح حاکم بر آن و مهم‌ترین ویژگی‌هایش پرداخت، چراکه با واکاوی بیشتر درباره جهان معاصر می‌توان با ظرف حوزه معاصر و اقتضائات عصری‌اش آشنا تر شد.

مهم‌ترین ویژگی جهان معاصر «انسان‌مداری» است. چنین امری در حیطه‌های مختلف

۱. مراد، رسالت و اهداف حوزه علمیه در هر عصر و با توجه به شرایط عصری و محیطی است که البته باید در چهارچوب رسالت و اهداف کلان حوزه و از مصادیق آن باشند. تشخیص دقیق و فهم عمیق رسالت عصری حوزه، سبب قرارگرفتن حوزه در مسیر صحیح تحقق بخشیدن به نهضت توحیدگستری خواهد شد.

نوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۱۵۴



حیات بشری، بروزهای گوناگونی پیدا کرده و این اندیشهٔ مادی در همهٔ مختصاتش، تقابلی آشکار با اندیشهٔ وحیانی و الهی دارد. هرچند تقابل اندیشهٔ مادی گرا و دین‌محور و به عبارت بهتر، نبرد «جبههٔ حق» و «جبههٔ باطل و طاغوت» از ابتدای خلقت، همواره همراه جامعهٔ انسانی بوده است، اما چنین پیکاری در دنیای معاصر به حدّ بالایی رسیده است. امروز، باطل به عیان و با شیوه‌های گوناگون در همه جا رخ‌نمایی می‌کند و عقل ابزاری بشر مادی و دانشمندان حس‌گرا نیز به نظریه‌پردازی و توجیه به‌ظاهر علمی اهداف پلید جبههٔ باطل می‌پردازند، از این رو می‌توان دورهٔ معاصر را «عصر جاهلیت مدرن» نامید، عصری که باطل و آنچه منافی سعادت و کمال نهایی انسان است، در قالب‌ها و عناوینی زیبا به جامعهٔ بشری عرضه می‌شود (ر.ک: هاللیان، ۱۳۹۴: ۷۳-۷۵).

#### د. انقلاب اسلامی، هویت آن و رسالت عصری حوزه

در وضعیت ظلمانی و شب تاریکی که چندین سده بر جوامع بشری سایه افکنده بود، وقوع «انقلاب اسلامی» قیامی بر ضدّ همه این گونه باطل‌ها و اندیشه‌های مادی‌گرا و غیرالهی بود که تمام نقشه‌ها و خواب‌های جبههٔ باطل را بر هم زد و آشفتگی کرد، اما این انقلاب، چه ویژگی‌هایی داشت که توانست تغییراتی بنیادین و در ابعاد مختلف، در جهان معاصر ایجاد کند؟ تأمل در حقیقت انقلاب اسلامی نشان‌دهنده آن است که این انقلاب، امتداد همان مسیر نهضت پیامبران و اوصیای الهی: یا نهضت توحیدگستری یاد شد و همان آرمان‌ها و اهدافی را دنبال می‌کند که نابالغ‌ها و حوزة‌های علمیه در طول تاریخ، برای تحقق آنها کوشیده‌اند، از این رو باید انقلاب اسلامی را ادامهٔ نهضت پیامبران: دانست.

از این مقدمات می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب اسلامی، زمینه و بستر بی‌نظیری برای تحقق اهداف اسلام و توحیدگستری هرچه بیشتر فراهم آورده که همان رسالت کلان حوزه است. در پرتو چنین معرفتی به حقیقت انقلاب اسلامی و نسبت آن با رسالت کلان حوزه می‌توان به سمت تشخیص رسالت عصری حوزهٔ معاصر حرکت کرد. برای چنین کاری باید

یاسر شربی

جوهرهٔ حوزهٔ انقلابی در آیین مکتب امام خمینی



بدین پرسش پاسخ داد که مهم‌ترین نیاز کنونی نهضت اسلامی چیست؟، چراکه هم افقی حوزه و انقلاب اسلامی در اهداف موجب می‌شود تحقق رسالت کلان توحیدگستری حوزه، در بستر انقلاب اسلامی و در جامهٔ پاسخگویی به نیازهایش و استفاده از ظرفیت‌های عظیمش قابل تحقق باشد.

### هـ مهم‌ترین نیاز کنونی نهضت اسلامی و مبحث راهبردی فرایند تحقق اهداف اسلام

اکنون نهضت اسلامی در چه وضعیتی قرار دارد و مهم‌ترین نیاز مرحله‌ای‌اش چیست؟ بار تحقق‌بخشی بدین نیاز بر دوش کیست؟

پاسخ بدین پرسش را که مقام معظم رهبری و در مبحثی با عنوان فرایند تحقق اهداف اسلام در سخنرانی‌های متعددی مطرح کرده است. تعیین اولویتهای کلان و راهبردی نهضت اسلامی بر عهده ایشان، به عنوان ولی فقیه جامع شرایط این زمان می‌باشد، همچنین، چنین فرایندی و مراحل متوالی‌اش را می‌توان بعینه از بیانات امام خمینی استخراج کرد.

طرح این مبحث توسط مقام معظم رهبری درحقیقت بیان منظومه‌وار اهداف نهضت اسلامی، مراحل آن، وظایف پیش رو و افق‌های آینده می‌باشد. چکیدهٔ این بحث آن است که فرایند تحقق اهداف اسلامی فرایندی طولانی، دشوار و دارای پنج مرحلهٔ متوالی بدین ترتیب می‌باشد:

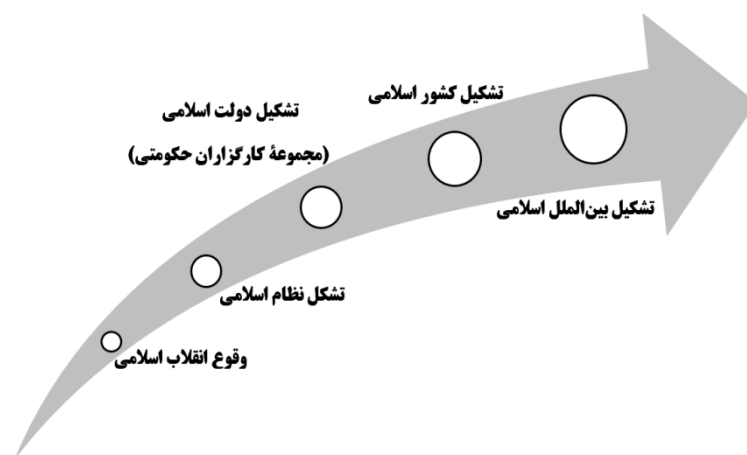
یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶



۱۵۶

۱. ر.ک: سخنرانی‌های مقام معظم رهبری درباره مبحث فرایند: ۱. دیدار با طلاب و فضیای قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴، ۲. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۱۲، ۳. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱، ۴. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۸/۶، ۵. دیدار رئیس‌جمهور و هیئت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸، ۶. دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴، ۷. دیدار طلاب تهران، ۱۳۹۶/۶/۶.



ایشان در آخرین سخنرانی در این باره با تأکید بر ضرورت مبارزه برای تداوم و تثبیت هنجارهای انقلاب بر بودن در مرحله سوم فرایند تصریح کردند. اکنون می‌توان به پرسش اصلی بازگشت، مهم‌ترین نیاز کنونی نهضت اسلامی چیست؟ از آنجاکه هویت نهضت اسلامی را امتداد نهضت توحیدگستری دانستیم، می‌توان به بیانی دیگر پرسید: مهم‌ترین نیاز مرحله‌ای نهضت توحیدگستری چیست؟.

پاسخ آن است که مهم‌ترین نیاز مرحله‌ای نهضت اسلامی بنای یک جامعه و کشور اسلامی است. نمونه و الگو است. به تعبیری مهم‌ترین نیاز کنونی نهضت اسلامی عبارت است از ارائه الگویی موفق از کشوری اسلامی و بنا شده بر اساس آموزه‌های اسلامی و به عبارت دیگر ایجاد جامعه اسلامی نمونه و زمینه‌سازی برای تشکیل تمدن نوین اسلامی.

## و. رسالت عصری حوزه معاصر

۱. همو، دیدار طاباب استان تهران، ۱۳۹۶/۶/۶ «ما جامعه اسلامی نداریم. ما دولت اسلامی هم نداریم. از آن مراحل چندگانه... هنوز در دولت اسلامی‌اش مانده‌ایم... ما توانستیم یک انقلاب اسلامی... به وجود بیاوریم، [بعد] توانستیم بر اساس آن، یک نظام اسلامی به وجود بیاوریم... بعد از این، ایجاد یک دولت اسلامی است، یعنی [ایجاد] تشکیلات مدیریتی اسلامی... در این قضیه هنوز خیلی فاصله داریم... البته، معنایش این نیست که کسی احساس ناامیدی کند... لکن... هنوز خیلی فاصله داریم تا اینکه بتوانیم یک دولت اسلامی به وجود بیاوریم... آنوقت، تازه نوبت [ایجاد] جامعه اسلامی است».

پس از توجه به مباحث پیشین می‌توان از رسالت عصری حوزه معاصر بحث کرد. بدین جهت باید پرسید بار اصلی تحقق نیاز عصری نهضت اسلامی بر عهده کیست؟ به قطع تک‌تک اعضای جامعه اسلامی در قبال چنین نیازی، وظایفی بر عهده دارند، اما مهم‌ترین بخش آن، یعنی هدایت و راهبری فرایند تحقق اهداف اسلام بر طبق آموزه‌ها و تعالیم دین بر دوش حوزه‌های علمیه است، چراکه انقلاب اسلامی، نهضتی با ماهیت توحیدی است که دغدغه بسط دین و گسترش توحید ناب را دارد. حوزه سازمانی است که رسالت هدایت و رهبری هر جریان توحیدگستر در هر عصر را بر عهده دارد. در نتیجه حوزه، رسالت هدایت و رهبری انقلاب اسلامی را نیز بر عهده دارد و به تعبیر امام خمینی (ره):

«هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است، بنابراین طبیعی است که مفهوم رهبر دینی و مذهبی بودن، رهبری علمای مذهبی است در همه شئون جامعه، چون اسلام هدایت جامعه را در همه شئون و ابعاد آن به عهده گرفته است» (امام خمینی، ۱۳۸۹ / ۵: ۳۸۹).<sup>۱</sup>

حوزه علمیه، تنها در ظرف توجه به نیازهای مرحله‌ای نهضت اسلامی می‌تواند رسالت عصری اش را به‌درستی تشخیص دهد. مهم‌ترین نیاز مرحله‌ای نهضت اسلامی، ایجاد جامعه اسلامی و زمینه‌سازی برای تحقق بین‌الملل اسلامی یا تمدن نوین اسلامی می‌باشد. چنین نیازی، رسالت عصری حوزه عصر انقلاب را ترسیم می‌کند.

### ز. چیستی حوزه انقلابی

با توجه بدان چه بیان شد، می‌توان پرسید: حوزه انقلابی چیست؟. برای سخن گفتن از هویت حوزه انقلابی باید ابتدا بررسی کرد که معیار انقلابی بودن چیست؟ به‌طور خلاصه

۱. همچنین فرمودند: «یک مجتهد، باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد» (همان / ۲۱: ۲۸۹).



ملاک و معیار اصلی انقلابی بودن افراد، گروه‌ها، اقشار و اصناف مختلف آن است که بینش‌ها، گرایش‌ها و روحیات و رفتارهای آنها در راستای فرایند تحقق اهداف اسلام باشد، یعنی نظام‌های مختلف معرفتی، انگیزشی و رفتاری یا خرده‌نظام‌های آنها به گونه‌ای سامان یافته باشد که برآیند آنها هم‌جهت و هم‌راستای نیازهای عصری نهضت اسلامی باشد. با توجه بدین معیار می‌توان هویت حوزه انقلابی را نیز این گونه مشخص کرد، حوزه انقلابی حوزه‌ای است که رسالت عصری و اهداف و مأموریت‌های گوناگونش در راستای تحقق اهداف اسلام باشد و بخشی از نیازهای مرحله‌ای نهضت اسلامی را تأمین کند و به بیان دیگر فعالیت‌های صنفی و تخصصی اش در جهت تأمین بخشی از نیازهای مرحله‌ای نهضت اسلامی و به‌طور مشخص در راستای تحقق دولت اسلامی و جامعه اسلامی و نیز زمینه‌سازی برای تشکیل بین‌الملل اسلامی و تمدن نوین اسلامی باشد.

## ۲. اسلام، انقلاب اسلامی و مکتب امام

از آنچه بیان شد، نتیجه گرفته می‌شود که حوزه انقلابی برای امتداد بخشیدن به نهضت توحیدگستری و امتداد دهی به اسلام ناب محمدی ۹ باید از مسیر مراحل «انقلاب اسلامی» عبور کند و به مراحل فرایند تحقق اهداف اسلام تحقق ببخشد، اما مسیر درست خود انقلاب اسلامی را باید در آیین مکتب امام جستجو کرده و پیمود. به همین جهت باید مقدار بیشتری درباره اسلام و مکتب امام بحث کرد.

### أ. اسلام

انقلاب اسلامی همان امتداد نهضت توحیدگستری پیامبران و اوصیا: است که سعی در بسط و تحقق بیشترین مقدار ممکن از اسلام را دارد، از این رو حوزه علمیه نیز برای ایفای رسالت‌های عصری اش باید از صراط مستقیم اسلام بگذرد، اما تجربه‌های مکرر تاریخی نشان می‌دهد که هر متاع ارزشمندی به تدریج بدل‌های کاذب و بی‌خاصیتی پیدا



می‌کند که توسط سودجویان و منفعت‌طلبان عرضه شده و گاه بر اثر جهل یا غفلت مشتریان، چنان رواج می‌یابد که متاع اصلی به محاق فراموشی می‌رود. اندیشه اسلامی نیز در طول تاریخ بارها مشمول چنین قاعده‌ای شده است. انقلاب اسلامی بر اندیشه اسلامی تأسیس شد که بهترین توصیف‌کننده‌اش امام خمینی است که با تعبیری همچون اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج‌دیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌طیبتان عارف و در یک کلمه اسلام ناب محمدی (ص) از آن یاد کرده‌اند (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۹ / ۲۱: ۱۱). این فهم از اسلام، نقطه مقابل ارائه‌های نادرست و ناقص از اسلام بود که همواره، به‌عمد یا جهل ترویج شده و می‌شود.

بشر حقیقتاً در سختی و بدبختی است. اکثریت انسان‌ها مورد ظلم‌اند. بخش اعظم طبقات روی زمین به انسان‌های خبیث اختصاص پیدا می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۸/۵). یک وسیله باقی است و آن اسلام است، آن هم اسلام با تفسیر درست و انقلابی و به تعبیر امام بزرگوارمان «اسلام ناب محمدی»<sup>۹</sup>. این اسلام است که امروز در مقابل این همه قدرت‌نمایی در دنیا حضور دارد و از آن می‌ترسند. این اسلام است که هنوز ملت‌ها را به خود جذب می‌کند (همو، ۱۳۷۰/۶/۲۵، ر.ک: همو، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

از این رو حوزه انقلابی نیز برای تحقق‌بخشیدن به اهداف اسلامی باید همواره در جستجوی اسلام ناب و فهم دقیق هویت آن در همه ابعاد متعددش بوده، زنگارها و پیرایه‌های بدلی را از چهره‌اش بزدايد.

اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام... مسئله اسلام ناب محمدی است، یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پابرهنگان و رنج‌دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکائی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد... یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک‌به‌زورگویان، اسلام کمک‌به‌اقویا، اسلامی که با همه اینها می‌سازد (همو، ۱۳۸۹/۳/۱۴).<sup>۱</sup>

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۴



۱۶۰

۱. همچنین فرموده است: «اسلام ناب، اسلامی است که همه جانبه است، از زندگی فردی و خلوت

## ب. مکتب امام خمینی

توجه به انقلاب اسلامی بدون نظر در اندیشه و سیره حضرت امام یا همان مکتب امام ممکن نیست، از این رو شناخت دقیق اندیشه، اقوال و سیره امام و الگو قرار دادن مکتب امام در مسیر فعالیت های انقلابی، از وظایف حتمی حوزه انقلابی است. در این نقشه راهی که عرض کردیم... امام الگوست و انصافاً الگوی کاملی است. در همه این شاخص ها [ی انقلابی گری]... امام در بالاترین رتبه قرار دارد (همان).<sup>۱</sup>

هرچند عالمان دین همواره به تناسب اقتضائات و امکانات عصری شان در صدد تحقق دین بوده اند و انقلابی گری بدین معنا از خصوصیات حوزه علمیه شیعه بوده است، اما در عصر حاضر عواملی مانند تراش علمی - فرهنگی حوزه های علمیه، ظرفیت های متراکم تاریخی پدیدآمده در بستر جامعه اسلامی و برخی عوامل دیگر، با خصوصیات ویژه شخصیتی امام، دست به دست همدیگر دادند و پدیده بی نظیر انقلاب اسلامی رقم خورد. امام خمینی عارفی حکیم، فقیه، مجاهد، شجاع، خطرپذیر و نافذالکلمه بود که به تقدیر الهی، قیام الله کرد و به یاری ملت توانست تراش متراکم تاریخی و سرمایه های انباشته در اندیشه و فرهنگ اسلامی را تجمیع کرده و با تأسیس نظام اسلامی بدان ها عینیت خارجی ببخشد.

امام خمینی بهترین مفسر و تبیین گر و تجسم بخش اسلام ناب در دنیای معاصر بود که آن را در زندگی و سیره اش و بهتر از همه، در بنای انقلاب اسلامی، عملیاتی کرد و به ظهور رساند (همو، ۱۳۶۹/۰۳/۱۴). بنابراین بدیهی است که برای فهم و درک انقلاب و جستجو از اصول و مبانی اش، یعنی اسلام ناب، باید سراغ این شخصیت بی همتا و مکتبی که بنا نهاد،

فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل می شود... هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین می کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می کند. این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پابند بود» (همو، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

۱. «خط امام اجزائی دارد... بروید وصیت نامه امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که... در این آثار و گفتار منعکس است».

یاسر شوی

جوهره حوزه انقلابی در آئینه مکتب امام خمینی



رفت، همان‌گونه که بهترین منبع برای فهم و تفسیر یک مکتب فکری یا عملی، رجوع به مؤسّسش می‌باشد.

ظرفیت های عظیم آشکار و نهفته در اندیشه و سیره و رفتار و گفتار امام خمینی (ره)، به‌ویژه در دههٔ اخیر عمر با برکتشان مکتبی را تشکیل می‌دهد که می‌توان از آن به «مکتب امام» یاد کرد و به تعبیر مقام معظم رهبری:

«امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی مورد توجه قرار داد، بعضی این جور می‌خواهند... این غلط است. امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحوّل کرد، امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است... منظومهٔ فکری امام دارای خصوصیات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است» (همو، ۱۳/۳/۱۴، ر.ک: همو، ۱۳۶۸/۳/۱۸).

بر پایهٔ آنچه گفته شد، مکتب امام را باید یک شاخص کلان دانست و شاخص‌های انقلابی بودن را نیز باید از اندیشه و سیرهٔ امام خمینی اخذ کرد. این کار از این جهت اهمیت دارد که مهم‌ترین چالش اصلی همهٔ تحولات بزرگ اجتماعی از جمله انقلاب‌ها، صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی آنهاست که در واقع هویت اصلی و سیرت آنها می‌باشند. اگر در یک حرکت اجتماعی، جهت‌گیری به سمت هدف‌ها محفوظ نماند، به تدریج از مسیر صحیحش منحرف و به ضدّ خودش تبدیل شده و در جهت عکس اهدافش عمل خواهد کرد. برای پیشگیری از چنین انحرافی به شاخص‌هایی نیاز است که روشن و معین بوده و بیشترین هماهنگی با اهداف اصلی را داشته باشند. اما شاخص انقلاب اسلامی چیست؟

بهترین شاخص‌ها، خود امام و خط امام است... نباید اجازه داد این شاخص‌ها غلط تبیین شوند یا پنهان بمانند یا فراموش بشوند. اگر این شاخص‌ها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب نما را در یک راه از دست بدهیم (همو، ۱۳۸۹/۳/۱۴). ریشهٔ این شجرهٔ طیبه، همین شخصیت عظیمی است که همه چیز از او رویید... در گذشته همین ایران و ملت و موقعیت جغرافیایی و همین فقه و قرآن و نهج البلاغه بود، اما در واقع چیزی نداشتیم... بعد که او... قدم در صحنه گذاشت، مثل وجودی که ماهیات را هستی و تحقق می‌بخشد و مثل

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۱



۱۶۲



خورشیدی که می‌تابد و اشیا را آشکار می‌کند و مانند روحی که به کالبدی دمیده می‌شود... ما را زنده و نمایان کرد و به حرکت درآورد. آن وقت ارزش جغرافیایی و تاریخی و فرهنگ گذشته و قرآن و نهج البلاغه و ملت ما احیا شد و به کارمان آمد (همو، ۱۳۶۸/۴/۲۸، ۱۳۶۸/۴/۲، ۱۳۹۵/۳/۱۴، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹، ۱۳۹۳/۳/۱۴).

اصول و مبانی مکتب امام در کلمات، پیام‌ها، نامه‌ها و به‌خصوص وصیت‌نامه ایشان منعکس است (همو، ۱۳۸۹/۳/۱۴). البته تعیین شاخص‌ها از گفتار، رفتار و سیره حضرت امام و نیز تعیین محکمت و متشابهات آنها و بازگرداندن متشابهات به محکمت، اقتضائات و قواعد خاصی دارد.

به‌طور خلاصه مکتب امام تجسم عینی اسلام ناب، ترسیم‌کننده مسیر صحیح انقلاب و در نتیجه چهارچوب حرکت حوزه انقلابی می‌باشد، از این رو حرکت در صراط مستقیم نهضت اسلامی بدون نظر به سیره عملی و علمی امام خمینی یا مکتب امام ممکن نیست. اما باید دید مکتب امام چه ویژگی محوری دارد و به تعبیر دیگر روح و جوهره مکتب امام چیست؟ با پاسخ بدین پرسش، حلقه اخیر جستجو از ویژگی جوهری حوزه انقلابی نیز کامل خواهد شد.

### ج. جوهره مکتب امام

نظر دقیق در تمامی اندیشه‌ها، گفتارها، رفتارها و سیره امام نشان می‌دهد که روح و جوهره حاکم بر مکتب امام، بسط توحید با همه ابعاد و جوانب آن می‌باشد. این روح توحیدی حاکم بر شخصیت امام خمینی در همگی آثار علمی و افعال وی متجلی است. عمده مقصد و مقصود انبیای عظام و تشریح شرایع و تأسیس احکام و نزول کتاب‌های آسمانی، خصوصاً قرآن شریف... نشر توحید و معارف الهیه و قطع ریشه کفر و شرک و دویینی و دوپرستی بوده... و مقصود عمده ما توجه‌دادن قلوب بندگان خدا است به آنچه برای آن خلق شدند که آن، معرفه‌الله است که از همه سعادات بالاتر است و هیچ چیز جز مقدمه آن نیست (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۵۳-۱۵۵).

حضرت امام با استفاده مناسب از ظرفیت‌های تاریخی دست به اقدامات علمی و عملی گسترده‌ای زد تا دین حق را با همه ابعاد معرفتی، اخلاقی و رفتاری‌اش در سطوح مختلف

یاسا پتروی

جوهره حوزه انقلابی در آئینه مکتب امام خمینی



فردی و اجتماعی اقامه نماید. امام به اعتراف دوست و دشمن در سرتاسر حرکت علمی و اجتماعی و تمدنی‌اش، هیچ‌گاه تحت تأثیر و مرعوب اندیشه‌های عصر جاهلیت جدید (همو، ۱۳۸۹ / ۲۰: ۳۳۳) و استعمار مدرن قرار نگرفته و از خلوصی ناب و بی‌همتا برخوردار بود.

اندیشه بنیادین و عمل و رویکرد حضرت امام به جهت تغذیه از ریشه‌های روییده در زمینه توحید ناب اسلامی و به سبب توسعه‌ی ساحت ریاضت و مجاهده به بطن و متن حیات بشری در همه ابعادش، هرگونه اندیشه و عمل و رویکرد مشرکانه و طاغوتی را برنناخته، بلکه آن روح خدا، در صدد بسط کلمه توحید در همه ساحت‌های فردی و اجتماعی بود تا هدف نهایی از خلقت، یعنی معرفت‌الله هرچه بیشتر تحقق یابد.

حضرت امام به طور جدی و بنیادین نیز معتقد بود باید اندیشه‌ها و معارف توحیدی و مسائل سلوکی را به گوش دل و جان عموم مردم رساند تا بتوان زندگی دنیا و حیات آخرت آنان را سامانی اساسی بخشید و مهم تر از آن به اهداف غایی و نهایی انبیای الهی: یعنی معرفی خداوند به عموم مردم و آشنایی آنها با معارف توحیدی، جامه تحقق پوشانید تا به هدف نهایی از خلقت، یعنی معرفت‌الله نزدیک‌تر گردند.

تمام تشکیلاتی که در اسلام از صدر اسلام تا حالا بوده است و تمام چیزهایی که انبیا از صدر خلقت تا حالا داشتند و اولیای اسلام تا آخر دارند، معنویات اسلام است، عرفان اسلام *یاست ژوبی* است، معرفت اسلام است. در رأس همه امور، این معنویات واقع است. تشکیل حکومت برای همین است، البته اقامه عدل است، لکن غایت نهایی معرفی خداست (همان/۲۰: ۲۹۸-۳۰۰).

علمای اعلام باید مردم را با توحید آشنا کنند، با معارف الهی آشنا کنند (همان/ ۱: ۳۵۵-۳۵۶).

بررسی سیره عملی امام راحل ۱ در طول حیات الهی شان نشان‌دهنده التزام عملی به چنین اعتقادی می باشد. ایشان با به‌دوش گرفتن رهبری نهضت اسلامی، در سطحی وسیع تر به بسط و گسترش معارف و معنویات توحیدی دین در حیطه‌های گوناگون علمی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرداختند. از جمله اقدامات امام در این مرحله، ایراد بیانات یا نوشتن پیام‌های آکنده از معارف توحیدی بود که در بستری اجتماعی و خطاب به مخاطبانی گسترده و از همه دست-شامل مسئولان حکومتی، علما، طلاب، روحانیان، دانشجویان و دانشگاهیان، فرماندهان و سران لشکری، سپاهیان، رزمندگان، پزشکان، پرستاران، دانش‌آموزان، کارگران، کشاورزان، بانوان،



بازاریان، ورزشکاران، سفراء، شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف منطقه‌ای یا بین‌المللی و دیگر اقشار و اصناف مطرح شده‌اند.

مؤلفه‌هایی مانند شخصیت جامع حضرت امام در عرصه دین‌شناسی، تفکیک ناپذیری ساحت‌های مختلف دین و علوم دینی در منظر ایشان، بهره‌گیری مدبرانه وی از ظرفیت‌های فراوان نهفته در سنت اسلامی، شکوفاسازی معنوی نیروی عظیم الهی امت و مخاطب‌قراردادن فطرت الهی انسان‌ها باعث گردید انقلابی که امام آن را راه‌بری نمود، ممتاز از دیگر حرکات‌های اجتماعی شیعه باشد و در عین برخورداری از کارکردهای شدید اجتماعی، در سراسر پیکره و مسیرش نیز جوهره‌ای توحیدی و روحی معنوی داشته و در امتداد حرکت توحیدی انبیای الهی: که هدف اصیلی جز «معرفی ذات مقدّس حق تعالی با همه اسما و صفات» (همان، ج ۲۰، ص ۴۰۹) و «توسعه معرفه‌الله» (همان/ ۱۹: ۱۱۵) نداشتند در بستری فقاهتی و اجتهادی شکل گرفته و ره بیوید.

انقلاب اسلامی، چنان با تدبیر و مهارت، بنیادها و تاروپودهای استوار معنوی، حکمی، و فقاهتی شکل گرفته در سنت اسلامی و شیعی را به هم تنید که حاصل آن معنویت توحیدی آمیخته با تعبد و عقلانیت بود. چنین رهاورد بی‌بدیلی، موخدان عصر را دعوت نمود تا با رفتن به جنگ طواغیت و بت‌های عصر (همان/ ۱۸: ۸۶-۸۷) عزم نمایند تا پرچم لا اله الا الله را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآورده (همان، ج ۲۱، ص ۸۸)، چنین نوید خجسته‌ای را به ارمغان آورند که این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد (همان / ۱۰: ۳۶۴).

در مکتب امام حقایق ناب توحیدی با ورود جدی به متن زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان در آینه طریقت و شریعت عینی آنها انعکاس و تبلور یافته و «ایده توحید با ابعاد رفیعش» در عرصه‌های بیشتر و گسترده‌تری از حیات فرهنگی- تمدنی آنان و بلکه در ساحتی بین‌المللی، بروز و ظهور خواهد نمود. این مسیر همان راه وصول به سعادت مطلق است که آن حکیم ربّانی فراروی امت و حوزه‌های علمیه ترسیم کرد و تا واپسین ایام حیات طیبه‌اش نیز بدان سفارش می‌نمود.

جوهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی



آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن بپاخواستید... والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است... که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده

است... و آن، مکتب الوهیت به معنای وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است و آن در مکتب محمدی ۹ به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده، و کوشش تمام انبیای عظام: و اولیای معظم (سلام الله علیهم) برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی نهایت جز با آن میسر نگردد... شما ای ملت مجاهد!... راهی را می روید که تنها راه تمام انبیا: و یکتا راه سعادت مطلق است (ر.ک: همان / ۲۱: ۴۴۹).

### ۳. ویژگی جوهری یا جوهره و روح حوزه انقلابی

بر پایه آنچه بیان شد، باید جوهره و روح ویژگی های حوزه انقلابی را توحیدمحوری و توحیدگستری با همه ابعادش دانست، یعنی همه اجزا و خُرده نظام های مختلف حوزوی از اندیشه ناب و عمیق توحیدی نشئت گرفته و بر محور آن بسط یابند و نیز فعالیت های مختلف آنها بر مدار اندیشه توحیدی امتداد پیدا کند. به بیان دیگر حوزه انقلابی باید تجلی توحید ناب باشد، یعنی توحیدی که در زاویه ای خاص محصور نمانده، برای همه شئون دنیوی و اخروی انسان، پیام و طرح داشته باشد، یعنی همان توحیدی که روح مکتب امام است.

«منظومه فکری امام...، اولاً متکی و مبتنی بر یک جهان بینی است که... عبارت است از توحید. همه فعالیت او، همه منطق او مبتنی بود بر توحید»  
(خامنه ای، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

یاست پڑوبی

حوزه انقلابی نیز نباید توحید فردی و عبودیت منحصر در حیطه ای خاص را برتابد، بلکه باید در اندیشه بسط توحید در همه ابعاد جامعه و حیات بشری و مشاهده جمال و جلال الهی در همه شئون جامعه باشد. انقلاب اسلامی چنین ظرفیتی را در حلی بسیار گسترده و بی نظیر برای حوزه فراهم کرده است و دیگر، تبیین و ترویج توحید فردی، توجیهی ندارد. «امروز... پیام این نیست که ای مردم، بگویید لا اله الا الله بلکه پیام این است که لا اله الا الله را در زندگی و جامعه و در نظام اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود پیاده کنید (همو، ۱۳۸۱/۱۲/۴).

دوره چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۱۳۹۶



۱۶۶

پیامبران و اوصیای الهی: - و بالتبع جانشینانشان، یعنی عالمان دین- در حد امکان نهایت کوشش را برای توحیدگستری در جانها و جوامع بشری و به عبارت دیگر گسترش توحید در جانهای مستعد و ایجاد تمدنی توحیدی به کار می‌بردند و به تعبیر امام خمینی:

«آنچه که انبیا برای او مبعوث شده بودند و تمام کارهای دیگر، مقدمه اوست، بسط توحید و شناخت مردم از عالم است.... دنبال این بودند که همه تهذیب‌ها، تعلیم‌ها و همه کوشش‌ها در این باشد که مردم را از این ظلمت‌کده‌ها.... نجات بدهند و به نور برسانند. غیر حق تعالی، نور نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۹ / ۱۹: ۲۸۴-۲۸۵).

انقلاب اسلامی ظرفیت عظیم و گسترده‌ای است که باید برای تحقق هر چه بیشتر نهضت توحیدگستری پیامبران: از آن بهره برد:

«در سطح جهان، یک احساس خلأ فکری و نیاز به یک فکر جدید موج می‌زند... دل‌زدگی و سرخوردگی از «ایسم»های مختلف... بسیار زیاد شده... اسلام حرف‌های نو دارد. ما اگر بتوانیم این حرف‌های خودمان را... در دنیا منتشر کنیم... پذیرنده و طلبکار زیاد خواهد داشت... نظر اسلام نسبت به انسان، نظر اسلام نسبت به علو مسیر انسانی و مآل حرکت انسان، همین سفر الی الله، حرف‌های مهمی است... که جاذبه دارد و اگر به‌خصوص به گوش نسل‌های جوان دنیا برسد، مورد قبول قرار می‌گیرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۶/۶).

#### ۴. بحث تطبیقی و بیان چند نمونه

در ادامه به برخی ویژگی‌های حوزه انقلابی اشاره و نحوه ارتباط آنها با ویژگی جوهری توحیدی بودن در حد سعه این نوشتار بیان می‌شود.

#### أ. بصیرت

هرچند اندیشه پشیمان‌رو حیه و رفتار انقلابی، دارای مؤلفه‌های زیاد و متنوع می‌باشد، اما می‌توان همه را در کلمه‌ای جامع، یعنی بصیرت یافت. حوزه انقلابی باید افزون بر



بصیرت عمومی، بصیرت متناسب با رسالت‌ها و وظایف حوزوی را نیز در میان حوزویان ایجاد و نهادینه کرده، بدان تعالی ببخشد تا مسیر خدمات صنفی و تخصصی‌شان را با بصیرت، معرفت و یقین انتخاب کنند و ببینند. حوزه انقلابی باید عناصر و مؤلفه‌های بسیاری را کنار یکدیگر قرار دهد تا زمینه‌های پیدایش بصیرت لازم برای طلبه عصر انقلاب را فراهم آورد که در این میان اندیشه توحیدی مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش را دارد:

ریشه و اصل همه آن عقاید- که مهم‌ترین و باارزش‌ترین اعتقادات ماست- اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان‌که قوانین هستی و خلقت را

نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست و بنا بر این بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند، قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسان‌اند. او خالق همه است و همه مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و

یاست پژوهی

دوره چهارم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۱



۱۶۸

قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست، بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه بر هم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد، باید مبارزه کرد. البته این آغاز مسئله است و بیان یک ناحیه محدود از این اصل و اصول اعتقادی ما (امام خمینی، ۱۳۸۹/۵: ۳۸۷-۳۸۸).

طبق اندیشه توحیدی ساری در مکتب امام، انقلاب اسلامی بر خلاف دیگر انقلاب‌ها، هویتی اعتقادی دارد، یعنی روح آن را بسط همه جانبه توحید و شکوفاسازی فطرت توحیدی انسان در چهارچوب احکام همه‌جانبه اسلام ناب تشکیل می‌دهد.

«این انقلاب از درون مردم می‌جوشد و از فطرت آنان بر می‌خیزد... بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند» (همان: ۸۱).

بنابراین از جمله وظایف حوزه انقلابی تلاش برای فهم عمیق و دقیق حقایق توحیدی توسط همگی یا اغلب حوزویان و سعی در تبیین و ترویج آنها در همه سطوح جامعه است، به گونه‌ای که هر طلبه یا عالم دین بتواند بسط و امتداد حقیقت توحید در همه حقایق و وقایع عالم را فهم و درک کند، از جمله آنکه بتواند هویت و حقیقت انقلاب را بر پایه نگرش توحیدی، تبیین و تفسیر کند.

می‌توان تنها تصویری ساده، بسیط، ساکن و متوقف در ساحت ذهن از توحید داشت که مثلاً خداوند متعال یکی است و همتا ندارد و در همین حدود متوقف شد، اما حقیقت آن است که توحید، حقیقتی ساری و جاری در عالم و همه جوانب زندگی است و باید به ابعاد و لوازم مختلف توحید نیز توجه کرد و از جمله از نگرش توحیدی در فهم وقایع اجتماعی استفاده نمود، برای مثال مقام معظم رهبری با بیان اینکه همه نهضت‌های ۱۵۰ سال اخیر با ناکامی روبه‌رو شدند، راز اینکه انقلاب اسلامی توانست در همان راه با قدرت بر عوامل ناکامی اش غلبه کند، این می‌دانند که حرف نویی را به میان آورد که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، به‌خصوص دنیای اسلام برای خود جا باز کند.

یاست پژوهی

جوهره حوزه انقلابی در آئینه مکتب امام خمینی



قسمت اعظم این حرف نو «توحید» بود با معنای عمیق و دقیق و همه‌جانبه آن. توحید ۱۶۹ یعنی حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه و نفی حکومت‌های طاغوتی، استبدادی، فاسد و

طغیانگر بر ارزش‌های انسانی و اصیل، بنابراین توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۷/۲۲).

هرچند بصیرت از مؤلفه‌های گوناگونی تشکیل شده است، اما از یک منظر نیل به بصیرت راه بسیار آسانی نیز دارد که می‌توان از آن به شناخت فطری بصیرت یاد کرد. اگر پاکی اولیه فطرت و صبغه توحیدی اولیه اش را حفظ کرده یا زنگارها، موانع و عوایق غیرفطری نظری و عملی را از مسیرش برداریم، خود فطرت، دارای شناخت‌ها و گرایش‌های توحیدی نابی است که ما را به شناخت خیر و شر در هر مسئله توانا می‌کند.

مطالبه بصیرت، مطالبه یک امر دشوار و ناممکن نیست... همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیشداوری‌های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبّر کند، می‌تواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه بصیرت، مطالبه همین تدبّر است. مطالبه همین نگاه کردن است (همو، ۱۳۸۹/۸/۴).

اتخاذ چنین مبنایی تأثیرات بسیار زیادی در شیوه‌های تعلیمی و تربیتی دارد که حوزه اگر بخواهد انقلابی بوده و دارای نظام‌های بصیرت‌زا باشد، ضرورتاً باید به سمت چنین رویکردی برود.

### ب. معنویت‌گرایی و معنویت‌گستری

یاست پژوهی مهم‌ترین ویژگی حوزه انقلابی را باید معنویت‌گرایی و ترویج خودسازی و تهذیب نفس در حوزویان و جامعه برشمرد، چراکه حوزه انقلابی از یک سو منادی اسلام ناب است و تعالیم اسلامی نیز آکنده از روح معنویت‌اند و از سوی دیگر در صراط مستقیم نهضت اسلامی و مراحل آن ره می‌پیماید و انقلاب اسلامی هم اساساً بر پایه معنویت پی‌ریزی شده است.

از یک منظر باید گفت مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی، بسط هرچه بیشتر معنویت ناب توحیدی اسلام در زندگی انسان‌ها و جان‌ها و جوامع بشری می‌باشد، بنابراین حوزه اگر بخواهد انقلابی باشد و اهداف انقلاب را محقق سازد، باید تبیین‌کننده و مروج معنویت اصیل اسلامی باشد. «انقلاب اسلامی ایران قبل از هر چیز یک انقلاب معنوی است» (همو،

دوره چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۳۶۱





«رد پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویت است و این معنویت، اولین پیام این انقلاب و امام معنوی است» (همو، ۱۳۷۶/۳/۱۴). «اگر این انقلاب... توانسته باشد که مبشر و مبلغ معنویت و مروج آن در جامعه شود، به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست یافته است» (همو، ۱۳۶۰/۹/۲۷).

اما هر معنویت‌نمایی نیز مطلوب و مد نظر حوزه انقلابی نیست و بدین جهت باید دید معنویت اسلامی اصیل چه ویژگی‌ها و مشخصات بارزی دارد. روح این ویژگی‌ها همان بسط توحید ناب اسلامی است. به‌طور خلاصه برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های معنویت انقلابی - به تناسب موضوع بحث - عبارت‌اند از:

الف) گستره، عمق و غلظت توحیدی: معنویت اصیل اسلامی در اصول و مبانی عمیق توحید همه‌جانبه اسلام ریشه دارد و از این رو در همه اجزا و مؤلفه‌های زندگی بسط یافته و حتی به مادی‌ترین پدیده‌هایش، رنگ توحیدی و صبغه‌الله می‌بخشد. با چنین منطقی می‌توان در هر کاری، معنویت و تقرب به حق تعالی را درک کرد. اگر موانعی بر سر راه چنین معنویتی نباشد، حضور و رسوخش در همه ابعاد جامعه و در راه و روش زندگی روزمره مردم احساس خواهد شد، چنان‌که در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب، چنین پدیده‌ای مشهود همگان بوده است.

یاسر شوی

چهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی

ب) روح ولایی و ارتباط وثیق با اهل بیت (ع): ولایت، امتداد توحید و چهره دیگر آن است که مراتب بسیاری - از ولایت علی‌الاطلاق الهی تا جلوه آن در اهل بیت عصمت و طهارت: و ولایت نیایی عالمان دارای شرایط مقرر - را شامل می‌شود. معنویت انقلابی، پیوند مستحکمی با مقوله ولایت در جمیع مراتبش دارد و روح ولایی بر آن سیطره دارد و همین، موجب کشش و شور و نشاط و جذبه و جهش بسیار در پیمودن مسیر نهضت اسلامی می‌شود. البته شور و نشاط انقلابی برآمده از معنویت توحیدی نیز ویژگی‌های خاصی داشته و با انگیزش‌های کاذب مکاتب غیرالهی تفاوت دارد و از سنخ حماسه نهفته در روح خدایی ایمان و اهتزاز منبعث از اندیشه و عمل توحیدی است که با فطرت توحیدی انسان، ملایم و همخوان است.



ج) برخورداری از روح حماسی و جهادی و تلاش خالصانه و مجاهدانه: معنویت اسلامی ناب، چنانچه به مبارزه با نفس اماره و پیکار با دشمن درون توجه دارد، بدون حضور در ساحت جهاد بیرونی با طواغیت و دشمنان دین نیز بی‌معناست و به فرموده رسول اکرم

«رهبانیت امت من، جهاد در راه خداست».<sup>۱</sup> اساساً از آنجاکه روح توحید، نفی عبودیت غیر خداست، معنویت توحیدی نیز همواره در نبرد با طاغوت‌های زمان می‌باشد. آمیخته و عجین بودن با فرهنگ شهادت و یاد شهیدان، از جمله لوازم مهم این ویژگی است. از دیدگاه اسلام، تهذیب انتزاعی و بریده از واقعیت‌ها پذیرفته نیست و اگر جهاد و تهذیب نفس در متن مبارزه با دشمنان (درونی و بیرونی) اندیشه توحیدی صورت نگیرد، همانند توهم پهلوانی در مصاف‌های خیالی با پهلوانان است. اجتماع و فراز و فرودهایش، ظرف بروز بواطن انسان و محل آشکار شدن صحت و کذب ادعاهای اخلاقی‌اش بوده و میدانی است که فضایل و رذایل نهفته در انسان را ظاهر می‌کند و بدین وسیله می‌توان آنها را شناسایی و تثبیت و تکمیل یا ازاله کرد. اساساً رویکرد معنوی و اخلاقی صحیح، با گوشه‌گیری از جامعه اسلامی و بدون روحیه انقلابی شکل نمی‌گیرد:

«ما اگر طرفدار اخلاقیم، باید همین روحیه انقلابی را... تقویت کنیم. اخلاق را هم به برکت روحیه دینی و انقلابی می‌شود... تأمین کرد. اخلاق بدون دین، اخلاق بدون تقوا، اخلاق بدون روحیه انقلابی و حرکت جهادی و میل به جهاد در راه خدا، نه پدید می‌آید و نه منعقد می‌شود. اگر هم منعقد بشود، عمقی ندارد.» (همو، ۱۳۹۶/۵/۳۰).

ظرفیت‌های بی‌نظیر انقلاب اسلامی برای اقامه دین حق، تکالیفی به وسعت و گستردگی حیات دنیوی و اخروی جان‌ها و جوامع بشری را متوجه دین‌مداران - و بیش و پیش از همه، حوزه - نموده است، به همین جهت بخش مهمی از مسیر رشد معنوی و سلوک روحی حوزویان نیز در گروی امتثال رسالت عصری‌شان است. بی‌تفاوتی در برابر جریان‌های حق و باطل و دامن‌کشان از کنار نبرد تاریخی آنها عبور کردن، نه تنها موجب رشد معنوی و عروج روحی نمی‌شود، بلکه به تدریج حوزویان را از تشخیص حق و باطل و فتنه‌شناسی محروم و چشم بصیرتشان را ضعیف یا نابینا می‌کند و حتی ممکن است کار را به عاقبت سوء جانبداری پیدا و پنهان از باطل بکشاند.

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۱



۱۷۲

۱. شیخ صدوق، ۱۳۷۶: ۶۶ (... رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ).

سلوک در بستر اجتماع، در تضاد با خلوت انس و ذکر نیست، بلکه هر یک پشتیبان و شکوفاگر دیگری است و در ترابطی حلقوی و تصاعدی، به مدد یکدیگر آمده، موجب رشد معنوی و صعود روحی می‌شوند و به تعبیر مقام معظم رهبری:

«رابطه دل‌ها با خدای متعال، آن رابطه‌ای است که اگر تأمین شد، پشتوانه هویت انقلابی و عزم و اراده ماست» (همو، ۱۳۹۵/۳/۳).

### ج. علم محوری

اساس حوزه علمیه بر پایه علم بنا شده (همو، ۱۳۸۹/۸/۲) و حوزه انقلابی نیز باید ضرورتاً علم محور باشد. طبق اندیشه توحیدی، هدف از دانش‌های دینی آن است که انسان را به خداوند و معرفت او و معارف توحیدی برسانند.

«جمیع علوم شرعیه، مقدمه معرفه الله و حصول حقیقت توحید است در قلب که آن صبغة الله است. «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» غایت امر آنکه بعضی مقدمه قریبه و بعضی بعیده و بعضی بلاواسطه و بعضی مع‌الواسطه است. علم فقه، مقدمه عمل است و اعمال عبادی، خود، مقدمه حصول معارف و تحصیل توحید و تجرید است اگر به آداب شرعیه قلبیه و قالبیه و ظاهریه و باطنیه آن قیام شود... و آن شعبه از علم فقه که در سیاست مُدُن و تدبیر منزل و تعمیر بلاد و تنظیم عباد است نیز مقدمه آن اعمال است که آنها دخالت تام تمام در حصول توحید و معارف دارند... و همین نحو، علم به منجیات و مهلکات در علم اخلاق، مقدمه [است] برای تهذیب نفوس که آن مقدمه است برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید» (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۹-۱۰).

### د. ولایت‌مداری و ولایت‌گستری

از کلیدی‌ترین اصول و مبانی انقلاب «ولایت فقیه» است که چنانچه از رموز اساسی حدوث و پیروزی نهضت اسلامی بود، رمز تداوم و بقای حکومت اسلامی نیز می‌باشد. حوزه انقلابی مسئولیت‌های علمی و عملی بسیاری در قبال این مقوله بر عهده دارد،



زیرا ولایت فقیه زمانی به طور دقیق، فهم و ترویج شده و متون دینی مرتبط، معنای واقعی خود را نشان می‌دهند که به عنوان مسئله‌ای اعتقادی و فعل‌الله در جایگاه حقیقی‌اش قرار گرفته و مورد بحث واقع شود، البته برخی ابعاد و امتدادهای آن نیز فقهی (آن هم از سنخ فقه حکومتی) می‌باشند.

بنا بر اندیشه توحیدی، ولایت فقیه همان امتداد ولایت پیامبر و امامان معصوم(ع) و درحقیقت، بسط ولایت تشریحی حق تعالی می‌باشد، چرا که حاکمیت بر انسان، تنها به خداوند متعال اختصاص دارد و تنها او می‌تواند این حق را به‌طور تشریحی به پیامبران الهی و اوصیای ایشان(ع) اعطاء کند و تنها به اذن الهی است که شئون حکومت اسلامی به نایبان عام امامان معصوم(ع)، یعنی عالمان جامع شرایط خاص منتقل می‌شود. در واقع ولایت، روی دیگر سکه «توحید» است که تجلی‌های مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها در مناسبات اجتماعی و تشکیلاتی جامعه ایمانی ولایی نمودار می‌شود.

«ولایت» یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه، یعنی «ولی» متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود <sup>یاست پژوهی</sup> را جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع می‌کند و با آن معارضة می‌نماید، یعنی «اشدء علی الکفار رحماء بینهم» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۹/۲۹).

یکی از تجلیات ولایت تشریحی ائمه اطهار(ع) نیز در قالب «ولایت فقیه» نمودار شده که در عصر غیبت، بر عهده نایبان عام، یعنی فقهای جامع شرایط سپرده شده است. حوزه انقلابی نیز در پرتو ولایت‌پذیری و تبعیت و امتثال راهبری‌های رهبر می‌تواند در راستای تحقق اهداف نهضت توحیدگستری گام بردارد و در فرایند ولایت‌گستری سهیم گردد.

#### هـ هدف‌شناسی و هدفمندی

اهمیت شناخت اهداف بدین جهت است که اهداف مبنای برنامه‌ریزی و معیار ارزیابی و سنجش هستند. بدون هدف‌شناسی صحیح و دقیق نمی‌توان برنامه‌های دقیقی برای



حرکت‌های رساننده به مقصد طراحی کرد و اساساً بدون داشتن مقصد روشن و اهداف معین، سعی و تلاش و مجاهدت نیز رخ نمی‌دهد و حتی اگر حرکتی نیز صورت بگیرد، تقریباً کورکورانه و همراه آفات و آسیب‌های بسیار خواهد بود و همچنین معیارها و سنجه‌هایی برای سنجش و ارزیابی میزان کارآیی، پیشرفت و موفقیت فعالیت‌ها نخواهیم داشت.

حوزه انقلابی نیز برای حرکت صحیح، استوار و مجاهدانه در صراط نهضت اسلامی، هم به شناخت و هدف‌گذاری بر اساس اهداف کلان و عمومی مانند هدف آفرینش و مقصد خلقت، اهداف کلان اسلام در حیطه‌های مختلف مرتبط با فرد و جامعه، اهداف کلان پیامبران و انبیای الهی و اوصیا و نایبان ایشان نیاز دارد و هم به شناخت دسته‌های دیگری از اهداف نیازمند است. اما دسته نخست، سرنوشت‌سازتر می‌باشند و اگر دیگراهداف تفصیلی، امتداد آنها نباشند، مسیر حرکت حوزه و در نتیجه جامعه به فرجام نهایی و سعادت جامع جامعه منتهی نخواهد شد. چنان‌که بیان شد، هدف و رسالت کلان حوزه، توحیدگستری در امتداد نهضت توحیدی انبیا و اوصیا می‌باشد، از این رو اگر چنین هدفی، قطب‌نما و شاخص اصلی قرار نگیرد، خطرات بسیاری دامنگیر فعالیت‌های خرده‌نظام‌های حوزوی خواهد شد.

### و. تکلیف‌شناسی و تکلیف‌محوری

از جمله امور بصیرت‌زا شناخت تکالیف متوجه خویش است که در اینجا، افزون بر وظایف عمومی انقلابی، مراد تکالیف تخصصی حوزوی در قبال نهضت اسلامی می‌باشد. اهمیت تکلیف‌شناسی به قدری است که از جهتی می‌توان بی‌بصیرتی را همان متوجه وظیفه‌نشدن در لحظه لازم دانست. در اندیشه توحیدی تکلیف، در نسبت بنده با خداوند متعال و دوستان و دشمنان حق تعالی شکل گرفته، معنا می‌یابد. حوزه و طلبه‌ای می‌تواند تکلیف‌شناس و تکلیف‌محور باشد که وظایف سنگین عبودیت در پیشگاه الهی را شناخته و با عشق و محبت الهی، سختی‌های مسیر تکلیف‌محوری بر او سهل گردد.

### ز. روحیه جهادی و قیام‌الله

اگر وظیفه محوری در فردی نهادینه شود و با آمیختن با برخی ویژگی‌های دیگر ارتقا



بباید، «روحیه جهادی» در او شکل می‌گیرد. روحیه جهادی، از ترکیب تکلیف‌محوری با روحیه تلاش خستگی‌ناپذیر و مخلصانه پدید می‌آید که در حالت متعالی‌اش، به ملکه قیام‌الله تبدیل می‌شود. انسان دارای روحیه جهادی، به سبب آنکه طرف کوشش‌هایش را خداوند متعال دیده و تلاش‌هایش را ادای تکلیف نسبت به پروردگار سبحان می‌داند، مجاهدی سخت‌کوش و مخلص است، یعنی تکلیف متوجه خود را با جدیت و اخلاص و بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت یا نظر استقلالی به نتایج انجام می‌دهد. به‌طور خلاصه روحیه جهادی، یعنی کار را برای خدا انجام دادن، کار را وظیفه خود دانستن، همه نیروها را در راه کار درست به میدان آوردن (همو، ۱۳۹۴/۷/۲۲، همو، ۱۳۹۰/۱/۱). سازمان متشکل از افراد دارای روحیه جهادی نیز وظایفش را با کمترین امکانات و بیشترین بازدهی انجام می‌دهد و بدین جهت، رسالت‌های صنفی و اجتماعی‌اش را نیز با بالاترین کارایی و کمترین توقع ادا خواهد کرد.

انقلابی‌بودن و مبارزه برای تحقق اهداف انقلاب، ذاتاً و به خودی خود به ایثار و فداکاری‌های خاصی نیاز دارد. افزون بر این ایفای رسالت‌های عصری حوزه به اقدامات خط‌شکنانه و تأسیسی بسیاری نیاز دارد. در چنین فضایی - که غالباً پشتیبانی نداشته و حتی در ابتدا درک و تعامل صحیحی نیز وجود ندارد-، روحیه جهادی می‌تواند نقش بی‌بدیلی در پیشبرد اهداف مورد نیاز نهضت اسلامی داشته باشد و از ویژگی‌های اساسی مورد نیاز حوزه انقلابی می‌باشد.

استمرار روحیه جهادی به دلیل عنصر اخلاص و خدایینی و خداخواهی نهفته در آن (همو، ۱۳۸۹/۸/۲، همو، ۱۳۹۰/۷/۲۲) به ایجاد و استقرار ملکه قیام‌الله می‌انجامد. به اجمال باید گفت سعادت دنیا و آخرت و نیل به اهداف والای اسلامی، در قیام برای خداست. امام خمینی درباره آیه شریفه «قُلْ أَنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفٍ» می‌گوید:

خدای تعالی در این کلام شریف، از سرمنزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده و بهترین موعظه‌هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده... این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است (امام خمینی، ۱۳۸۹/۱: ۲۱). همه چیز در قیام‌الله است. قیام

یاست پژوهی

نور چهارم، شماره هفتم، پائیز ۱۳۹۶



۱۷۶

لله، معرفت الله می‌آورد. قیام لله، فدایی برای الله می‌آورد. قیام لله، فداکاری برای اسلام می‌آورد... اجتماعی و انفرادی، قیام لله بکنید (همان/۱۸: ۱۲۶).

### ح. شناخت دوست و دشمن و تولی و تبری نسبت بدان‌ها

شناخت دوست و دشمن، از زیرمجموعه‌های مهم آگاهی و بصیرت است. اگر حوزه انقلابی نتواند دوستان و دشمنان نهضت اسلامی را شناخته، موضع علمی یا عملی متناسب در مقابل آنها اتخاذ کند، کمیت بصیرتش می‌لنگد و از سرعت و دقت لازم محروم خواهد ماند.

از جمله کلان‌ترین شناخت‌ها در این زمینه، شناخت عمیق جبهه حق و جبهه باطل، هویت هر یک و خطوط تماس درگیری آنهاست که هر کدام، زیرمجموعه‌های بسیار دارند. بدون آشنایی با اندیشه توحیدی، جبهه حق و باطل بدون معنا خواهد بود و شناخت صحیح و دقیقی از آنها حاصل نشده و دشمن‌شناسی حقیقی صورت نخواهد گرفت.

دشمن‌ستیزی از آثار بسیار مهم تولی و تبری نسبت به دوستان و دشمنان خداوند بوده و به همین جهت از شاخص‌های بنیادین انقلابی‌گری است. چنین روحیه‌ای، به‌طور مستقیم در حیطه فعالیت حوزه انقلابی قرار می‌گیرد، چراکه به دنبال بسط توحید و اقامه اسلام ناب در جان‌ها و جوامع بشری می‌باشد.

با توجه به رسالت کلان عالمان در امتداددهی به نهضت توحیدگستری، «مبارزه» دائمی در صحنه‌های مختلف و مرزهای گوناگون مملکت دین، از جمله وظایف صنفی و ویژگی‌های روحانیت اصیل نیز می‌باشد.

«در آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان، میثاق خون بسته‌اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی، راه طولانی در پیش دارند... بزرگ‌ترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی‌نماها در همین است... تا به حال... یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار



داشته باشد و تا سر منزل جانان، علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد» (امام خمینی، ۱۳۸۹/۲۱: ۱۱۹).

«تا شرک و کفر هست، مبارزه هست... ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا إله إلا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآوریم» (همان: ۸۸).

از تأثیرات مهم جهان‌بینی صحیح توحیدی در زمینه توفی و تبری آن است که به مبارزه انسان، جهت، عمق و روح توحیدی می‌دهد و آن را از مبارزات دیگر جدا نموده و سنجی متفاوت بدان می‌بخشد.

چنانچه حق تعالی جمال و جلال دارد و پیامبران و اوصیا در بسط دین خداوند متعال، مهر و قهر می‌ورزند، نایبان و وارثان آنان، یعنی عالمان دین نیز باید برای امتدادبخشی به نهضت توحیدگستری، جاذبه و دافعه لازم داشته باشند. هرچند به مقتضای سبقت رحمت بر غضب الهی و رأفت اسلامی، باید جنبه رحمانی بر دیگر جنبه‌ها غلبه داشته باشد، اما در هر صورت برای پیشبرد اهداف دین حق باید به هر دو بُعد، به تناسب وضعیت‌های گوناگون توجه کافی کرد. اساساً برخورداری از جاذبه و دافعه، از لوازم ایمان و اعتقاد راسخ و نتیجه عزم برای تحقق‌بخشی به اهداف دین است.

«مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود!» (همان/۲۰: ۳۱۴).

بر این اساس حوزه انقلابی نیز در بسط اهداف دین، نسبت به عموم مردم، دین‌مداران، مسلمین و مؤمنان، عطوفت و رأفت و رحمتی درخور هر یک دارد و هرچند چتر جاذبه حداکثری اش بر سر همه گسترده است، در عین حال درمقابل جبهه دشمنان داخلی و خارجی دین حق و طیف‌های متفاوتشان نیز طرد و دافعه‌ای متناسب دارد و به تعبیر مقام رهبری، هم نوش و هم نیش دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵، همو، ۱۳۹۱/۷/۱۹). جاذبه و دافعه شکل‌گرفته بر محور توحید و امتداد آن، یعنی ولایت- که در فرهنگ اسلامی، از آن به توفی و تبری، حبّ و بغض فی الله و... یاد شده است- مبنای شکل‌گیری جمع‌ها و جوامع توحیدی و ایمانی و

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۶۹۶، ۱۳۹۱



۱۷۸



مایه پیشرفت و تعالی دنیوی و اخروی است.

توکی و تبری در عرصه سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد. اینجا هم باید انسان، ملاک و معیار را این قرار بدهد. ببیند خدای متعال از او چه می‌خواهد... اگر دیدیم مواضع ما جوروی است که... مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل می‌کنند... بایستی در مواضعمان شک‌کنیم... این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه می‌کرد (همو، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

### ط. مردم‌گرایی

«مردمی‌بودن» از ارکان و پایه‌های اساسی شکل‌گیری، استقرار و استمرار انقلاب اسلامی می‌باشد و اندیشه و مرام انقلابی نیز بدین گونه در بین ملت‌ها گسترش یافته است. توجه به نقش مردم، از خطوط اصلی خط امام و از مقومات اندیشه قویم «مردم‌سالاری دینی» می‌باشد که در چهره جمهوری اسلامی تبلور یافته است. از سوی دیگر یکی از خصوصیات بارز روحانیت شیعه نیز «مردمی‌بودن» و ارتباط گسترده و تنگاتنگ علمی و عملی با توده مردم است. حوزه علمیه، مطابق آیه «نفر» در دل اجتماع تعریف شده و برآمده از متن مردم و برای مردم است، از این رو مردم‌گرایی و روحیه تعامل صحیح با مردم، از ویژگی‌های اساسی مورد نیاز حوزه انقلابی برای انجام وظایف صنفی‌اش در جهت تحکیم انقلاب و بسط پیام حق نهضت اسلامی در نسل‌های متوالی و نیز دیگر جوامع می‌باشد، چراکه طبق اندیشه توحیدی، مردم، بندگان خداوند و بازوان قدرت اویند که به مدد آنها می‌توان اندیشه توحید را امتداد داد، به اهداف دین حق تحقق بخشید.

یکی از مصادیق مردم‌گرایی، توجه به سبک زندگی بندگان خداوند و مهمل‌نگداشتن شیوه زندگی آنان و بلکه، کشف، طراحی و تنظیم و تبیین سبک‌های زندگی اسلامی-بومی بر پایه منابع اسلامی برای سطوح مختلف جامعه است تا حقیقت توحید، هرچه بیشتر در زندگی مردم جریان یافته و جلوه کند. مهم‌ترین بار تحقق بخش‌های مختلف چنین وظیفه‌ای، متوجه حوزه‌های علمیه است (ر.ک: همو، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

یاسر شوی

چهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی



به‌طور خلاصه سبک زندگی به معنای هندسه کلی رفتارهای جوارحی و بیرونی یا نظام ترجیحات رفتاری است که می‌تواند فردی، خانوادگی، جمعی، قومی و ملی باشد. سبک زندگی یک فرد یا گروه یا جامعه را می‌توان ویتترین خارجی یا چهره زندگی آنها دانست که بروزهای خارجی روابطشان با خدا، خود، دیگران و طبیعت را نشان می‌دهد و تقریباً همه حوزه‌های فعال زندگی را در بر می‌گیرد.

همچنین چگونگی رفتار ظاهری، نمادی از بینش‌ها و نوع تفکر و علایق است و علاوه بر اینکه معنا و مفهوم آنها را می‌نمایاند، درجه حضور و حیاتشان در زندگی فرد و جامعه را نیز بیان می‌کند، از این رو سبک زندگی اسلامی یادآور و توسعه‌دهنده اندیشه و فرهنگ توحیدی بوده و تبلیغی غیرمستقیم برای اندیشه توحیدی می‌باشد.

در سطحی کلان‌تر اتخاذ سبک زندگی یکسان، زمینه بسیاری از پیوندهای اجتماعی شده و به موضع‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی یکسانی منتهی خواهد شد که الزامات رفتاری و انضباط‌های خاصی را پدید آورده و یک قدرت اجتماعی تشکیل خواهد داد. وقتی یک «امت» به افعال و آداب اسلامی ملتزم باشند، بافت و ساخت اجتماعی متناسب با اعتقادات و ارزش‌های خود را نیز پدید می‌آورد که این امر سبب ایجاد روابط پایدارتر، عمیق‌تر، صمیمی‌تر و مؤثرتر میان افراد جامعه بر محور توحید و بسط عینی امتدادهای اندیشه‌ی است‌پژوی توحیدی خواهد شد.

امروزه، زندگی مادی‌گرای غربی، ابزارهای گوناگونی برای ورود به زندگی مسلمانان از زاویه سبکی دارد که این مسئله، گرفتاری‌های متعدد و متنوعی را در ابعاد مختلف جامعه باعث شده است، اگر مردم نتوانند میان شیوه زندگی و باورها و ارزش‌های خود ارتباط برقرار نمایند، پس از مدتی، ممکن است از آنها دست شسته و ناکارآمد و ناظر به گذشته بپندارند.

مطابق اندیشه توحیدی، حوزه انقلابی باید بکوشد در رابطه با مردم و بندگان خداوند، تنها به تکالیف و وظایف در قبال آنها عمل کند و برای جذب آنان به خود تلاش نکرده، بلکه در



۱. مانند مفاد آیه «الَّذِينَ يَبُلُّونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹).

صدد سوق دادن آنان به خداوند و دین الهی باشد، از این رو حوزه انقلابی باید در ابلاغ و رساندن سخنان خداوند به مردم و تحقق بخشیدن بدان‌ها در سطوح مختلف زندگی مردم، دچار انفعال نبوده و تنها بر مدار حجّت‌های شرعی و عقلی حرکت کند.

هرچند «مردم‌گرایی» برای حوزه انقلابی لازم است، ولی نباید او را عوام‌زده و از پیشرو بودن خارج کند.<sup>۱</sup> تعلق به کسب یا حفظ عناوین و اعتبارات اجتماعی و به دنبال احترام و نام و نشان رفتن و اسیر آنها شدن، نه تنها مانع انجام صحیح وظایف صنفی می‌باشد، بلکه نتیجه عکس نیز خواهد داشت.<sup>۲</sup>

معنای دیگر انفعال حوزه انقلابی، خودکم‌بینی و پیروی محض از جریان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و... است، درحالی که حوزه انقلابی باید از پیشتازان انقلاب باشد. عالمان دین باید به راهبری جریان‌های مختلف اجتماعی ذیل پرچم تعالیم توحیدی دین و رهبری جریان اقامه دین به طور تخصصی در حیطه‌های گوناگون بپردازند، نه آنکه خود با تأثر از آنها به این سو و آن سو کشانده شوند یا همواره مشغول پاسخگویی و رفع شبهات و انفعال از دانش‌ها و پدیده‌های تحمیلی باشند و در عمل، در زمین‌های طراحی شده توسط دشمنان بازی کرده و از

مسائل اساسی تر باز بمانند. اساساً اندیشه توحیدی و فروعاتش به دلیل بیان و انعکاس برترین **یاست‌پژوی** حقایق عالم، همواره پیشتاز و راقی می‌باشند، «وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (توبه: ۴۰).

### ی. عدالت‌خواهی و حمایت از مظلومان، مستضعفان و محرومان

خداوند متعال، حکیم است و هر چیز را در مرتبه و جایگاه خود قرار می‌دهد، از این رو اقامه قسط و عدل و دفاع از مظلومان، مستضعفان و محرومان در برابر طواغیت و

۱. ر.ک: همو، ۱۳۷۹/۲/۲۲ (ما باید ببینیم مردم امروز به چه چیزهایی نیاز دارند. این غیر از آن حرفی است که گاهی به غلط - یا نیمه‌غلط... گفته می‌شود که ببینید مردم چه می‌خواهند. اینجا بحث «می‌خواهند» نیست. بحث «لازم دارند» است. مردم چه چیزی لازم دارند؟».

۲. امام خمینی، ۹/۱۳۸۹: ۴۷۶ «چنانچه به... وظایف روحانیت عمل نکنید، قلوب مردم با شماست... و اگر خدای نخواست یک خلافتی از بعضی بشود، این قلوبی که متوجه به شما شده است، ممکن است خدای نخواست به برگردد».



مستکبران، از اهداف همیشگی نهضت پیامبران: بوده است. بر این اساس عدالت‌طلبی و حمایت از محرومان در هر نقطه عالم، از جمله مبانی و ارزش‌های اساسی و راهبردی انقلاب اسلامی نیز می‌باشد و به همین سبب، مظلومان و مستضعفان جهان، همواره چشم امید بدان داشته‌اند.

پیام دیگر انقلاب، عدالت است. در دنیا هر جا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلاب، آنجا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است... بسیاری از عدالتخواهان، آزادی‌خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه عالم می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» (همو، ۱۳۷۶/۳/۱۴). به همین جهت حوزه انقلابی نیز باید عدالت‌خواه بوده و حمایت از مظلومان، مستضعفان و محرومان داخلی، منطقه‌ای و جهانی در دستورکارش باشند. به‌طورطبیعی، طلاب و عالمان دین، وظایف مضاعفی در این زمینه بر دوش داشته و افزون بر انجام وظایف خود در این زمینه می‌توانند با ندای عدالت‌خواهی، فطرت‌های پاک خداخواه را به اندیشه ناب اسلامی جلب‌کنند.

### ک. رویکرد سیاسی و حکومتی

اندیشه ناب توحیدی، بسان توحید که حقیقتی جاری در همه عالم است، همگی ساحت‌های زندگی از جمله سیاست و حکومت را نیز شامل شده، بلکه بدان‌ها روح الهی و جهت‌گیری توحیدی می‌بخشد. حتی نظری اجمالی و گذرا به تعالیم اسلام و سیره پیامبر اکرم و امامان معصوم (ع) نشان‌می‌دهد سیاست صحیح الهی از ابعاد جدایی‌ناپذیر اسلام در همه شرایط، حتی در سخت‌ترین موقعیت‌های تقیه در برابر طواغیت می‌باشد. اگر اندیشه یا رفتاری، منافی چنین حقیقتی باشد، نباید آن را توحیدی دانست. عرصه سیاست و حکومت از مهم‌ترین میدان‌های مساعد برای سقوط در ورطه ضلالت، گمراهی و تباهی است و دینی که درباره چنین عرصه پرخطری ساکت باشد، چگونه می‌تواند سعادت و کمال انسان را تأمین کند؟

عده‌ای... دین را... مربوط به کنج دل و کنج خلوت می‌دانند... برای حکومت، برای

یاست پژوهی

نورده چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۱۳۹۶



۱۸۲

سیاست، برای اداره امور مردم نمی دانند... اما این دین، کدام دین است، من نمی دانم! نبی اکرم از اول حرکت خود در دوران بعثت، شعارهایی داده است که جز با هجرت آن بزرگوار به مدینه و جز با ایجاد نظام اسلامی، این شعارها نامفهوم و غیرقابل درک است. آن توحیدی که پیغمبر اسلام آن را ترویج می کند، آن توحیدی که تبعیض را در جامعه نفی می کند... یک توحید فردی و قلبی و پنهان در گوشه انزوا نیست، همان توحیدی است که بایستی پرچمش برافراشته شود و یک جامعه بر اساس آن زندگی کند (همو، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

حوزه که باید مبلغ و مروج اسلام ناب باشد، چگونه می تواند پاره‌ای از اندیشه توحیدی را ترویج کرده و از پاره‌ای دیگر روی برگردانده و رویکرد اجتماعی - سیاسی نداشته باشد؟

### ل. وحدت‌گرایی

به دلیل بنامیدن انقلاب اسلامی بر محور اندیشه توحیدی و مبانی پاک فطری و دعوت به اموری همچون عدالت، استقلال و آزادی، این انقلاب ذاتاً وحدت‌آفرین است و عقول سلیم، فطرت‌های پاک و جان‌های خسته از ظلم و ستم مستکبران را به خود جذب و به یکدیگر نزدیک می کند، از این رو از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی، قطار انقلاب بر ریل وحدت به پیش رفت و ندای وحدت‌گرایی، از پیام‌های اصلی آن بوده است:

بنای توحید که مبنای فکری و اعتقادی و اجتماعی و عملی ماست، در وحدت است... وقتی مبدأ و صاحب هستی و سلطان عالم وجود و حی و قیومی و قاهری که همه حرکات و پدیده‌های عالم مرهون اراده و قدرت او می باشد، یکی است، انسان‌ها چه سیاه و چه سفید و چه دارای خون‌های مختلف و نژادهای گوناگون و وضعیت اجتماعی مختلف با یکدیگر خویشاوندند... اعتقاد به وحدانیت حضرت حق - جل و علا - در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی تأثیر می گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت... می سازد (همو، ۱۳۶۸/۹/۲۹، همو، ۱۳۹۴/۳/۱۴).

چنین ظرفیتی به حدی گسترده است که با شکوفاسازی و استفاده صحیح از آن، می توان انسان‌های بسیاری از هرکیش و مذهب را شیفته و مجذوب انقلاب اسلامی نمود. این ظرفیت

سیاست‌پژوهی

جوهره حوزه انقلابی در آینه مکتب امام خمینی



عظیم، دارای حیطه‌های متعدّد و متنوعی است که هر کدام، میدان‌های کار عظیمی را برای حوزه انقلابی فراهم می‌سازد.

## نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد، نتایجی چند به دست آمدنی است، از جمله:

۱. حوزه علمیه در صورتی انقلابی است که همه ویژگی‌هایش برآمده و جوشیده از اندیشه توحیدی و بسط توحید بوده و به منظور توحیدگستری نیز باشند، به بیان دیگر اگر حوزه علمیه در انجام وظایف تخصصی‌اش، به گونه‌ای هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرا کند که معرفت عمیق توحیدی و اندیشه انقلابی برآمده از آن، به حیطه روحیات و انگیزش‌های حوزویان سرایت کرده، موجب شکل‌گیری رفتارها و سبک زندگی متناسب با رسالت‌ها و مأموریت‌های صنفی‌شان شود و همچنین کل این مجموعه، در راستای رسالت‌های کلان و عصری حوزه و در چهارچوب فرایند تحقق اهداف اسلام و ذیل نیازهای مرحله‌ای نهضت توحیدگستری قرار بگیرد، می‌توان حوزه را انقلابی دانست.

۲. انقلاب اسلامی صورت و ظاهری دارد و سیرت و باطنی. صورت انقلاب، غلبه بر نظام فاسد وابسته، تشکیل نظام اسلامی، تشکیل دولت و جامعه‌سازی است. اگر انقلابی‌بودن حوزه، تنها در سطح ظاهر انقلاب متوقف مانده و از باطنش غافل بماند، فطرت توحیدی حوزویان و نیز مخاطبان حوزه، سیراب نشده و سرانجام، این امور را هم سرابی بیش نیافته و در میانه راه یا در مواجهه با برخی مشکلات و دشواری‌های نظری یا عملی، دل‌زده و مأیوس شده و از کاروان نهضت اسلامی جدا می‌شوند، از این رو حوزه انقلابی به هر دو بُعد نیاز داشته و باید ضمن حفظ صورت انقلابی، بکوشد از باطن و سیرت انقلابی نیز برخوردار باشد. باطن انقلاب، بسط‌دادن هرچه بیشتر اندیشه، اخلاق و رفتار توحیدی در جان‌ها و جوامع بشری است.

۳. در صورت عدم تثبیت و تبیین باطن توحیدی انقلاب اسلامی و ضعف در بیان مبانی الهی و ارزش‌های معنوی بنیادین و فطری آن در پیکره حوزه و سپس جامعه، نسل‌های بعدی و حتی خود حوزویان به تدریج از شناخت هویت حقیقی انقلاب فاصله گرفته، اغراض و اهداف ثانوی و ابزاری، به غلط، رنگ و بوی اصالت و قداست خواهند گرفت و زمینه تحریف

یاست پژوهی

حوزه چهارم، شماره هفتم، پیاپی ۱۳۹۶



۱۸۴

انقلاب از مسیر اصیلش فراهم خواهد شد. به‌طور مشخص اندیشه و سیره توحیدی حضرت امام یا همان «مکتب امام» می‌تواند چنین هدفی را تأمین‌کند و ده‌ها ثمره دیگر نیز داشته باشد. بدین جهت حوزه انقلابی باید در وهله نخست، خود حوزویان را به‌طور عمیق و دقیق با مکتب امام، و به ویژه روح توحیدی ساری در آن آشنا کرده و سپس در بسط و ترویج و اقامه نظری و عملی آن در سراسر جامعه بکوشد. به بیان دیگر حوزه انقلابی، مسئول بسط‌دادن تفکر ناب توحیدی و امتداد دادن فرهنگی و اجتماعی به مکتب امام در خود و جامعه است.

سایت پژوهی

جوهره حوزه انقلابی در آئینه مکتب امام خمینی



## فهرست منابع:

\* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *الأمالی*. ج ۶، تهران: کتابچی.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*، ج ۲، قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹). *المزار الکبیر*. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. جامع الأحادیث. (نسخه ۳/۵). مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، قم.
۶. حاجتی، میراحمد رضا. (۱۳۸۶). *عصر امام خمینی*. ج ۳، قم: بوستان کتاب.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. ج ۴، تهران: صهبا.
۸. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۴. *نرم افزار حدیث ولایت*، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، قم: خدمات فرهنگی مرکز نور.
۹. خمینی، روح‌ا... (۱۳۷۰). *آداب الصلاة (آداب نماز)*. ج ۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *سیر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)*. ج ۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *شرح چهل حدیث*. ج ۲۴، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. ج ۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۴. فلاح شیروانی، محمدرض. (۱۳۹۵). *حوزه باید انقلابی بماند*. ج ۱، قم: شهید کاظمی.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*. ج ۴، تهران: نشر اسلامیه.
۱۶. مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۸). *مثنوی*. تصحیح نصرالله پورجوادی، تهران: امیرکبیر.
۱۷. هلالیان، سعید. (۱۳۹۴). *نگاهی به حوزه: جایگاه‌شناسی توصیفی - تحلیلی روحانیت و حوزه‌های علمیه شیعه*. ج ۱، قم: کتاب فردا.
۱۸. یزدان‌پناه، سید یدا... (۱۳۹۵). *فروغ معرفت در اسرار خلافت و ولایت: شرح رساله مصباح الهدایه إلى الخلافة والولاية*، تحقیق و نگارش سعید هلالیان. ج ۱، تهران: چاپ و نشر عروج.

یاست پژوهی

نوره چهارم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۹۶





